



## علم حضوری را نمی توان تصور کرد/ اندیشیدن، پرسش و پاسخ درونی است

غلامحسین ابراهیمی دینانی در برنامه معرفت گفت: علم حضوری را نمی توان تصور کرد، زیرا به مجرد این که علوم حضوری را تصور کنیم حصولی می شود.

غلامحسین ابراهیمی دینانی در برنامه معرفت گفت: علم حضوری را نمی توان تصور کرد، زیرا به مجرد این که علوم حضوری را تصور کنیم حصولی می شود.

به گزارش خبرنگار مهر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه و عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران در تفسیر قسمت هایی از کتاب فراز و فرود فلسفی درباره علم حصولی و علم حضوری در برنامه معرفت شبکه چهار سیما اظهار داشت: این یکی از مسائل بسیار بنیادی و مهم است که کمتر به آن توجه می شود و توجه کردن به آن هم سخت است. غالباً این روزها از علم حضوری صحبت می کنند. حکمای ما آگاهی و علم را به حضوری و حصولی تقسیم کردند، اما کمتر کسی است که بداند علم حضوری چیست.

وی تصریح کرد: وقتی که ما می گوئیم علم حصولی همین علوم است که همه حکما دارند. از عالم، فیلسوف، فقیه، ادبی، شاعر اندیشمندانی که در عالم هستند در هر رشته و هر طبقه ای در رشته خودشان یک علوم دارند. به عبارت دیگر مفاهیم است. مثلاً یک فیزیکدان مفاهیم فیزیکی دارد، یک شیمیست مفاهیم شیمی دارد، یک ادیب مفاهیم ادبی دارد و یک فیلسوف مفاهیم فلسفی دارد و صورت حاصله به آن می گویند و از این مفاهیم انسان استدلال می کند.

وی افزود: خود استدلال هم بر اساس مفاهیم صورت می گیرد. کسی که استدلال می کند و دلیل می آورد و برهان اقامه می کند بر اساس مفاهیم است. یک مفاهیم اولیه را پایه قرار می دهد و بر اساس آن مفاهیم اولیه و پایه اندیشه اش سیر می کند و به چیزهایی که مجهول است می رسد، این استدلال است؛ استدلال یعنی از معلوم به مجهول رسیدن بر اساس ترتیب دادن مفاهیم به صورت منطقی. همه اینها را می گویند علم حصولی همه مردم دنیا علوم حصولی دارند.

چهره ماندگار فلسفه ادامه داد: علم حضوری را نمی توان تصور کرد، زیرا به مجرد این که علوم حضوری را تصور کنیم حصولی می شود. تصویر همانا و حصولی شدن همانا. علم حضوری هست اما صورت ندارد. مفهوم نیست، مافوق مفهوم و مافوق صورت است.

دینانی در پاسخ به این سؤال که چیزی که مافوق مفهوم و مافوق صورت است چه نوع علمی است، خاطرنشان کرد: اگر حضور نباشد مفهوم پیدا نمی شود. استدلال و صورت هم پیدا نمی شود. مثلاً کسی برای شما استدلالی بیاورد. شما وقتی که حرف های او را فهمیدید صورت به آن می دهید و با آگاهی جواب به او می دهید و با او وارد گفتگو می شوید اما همه کتابهای عالم را برای دیوار بخوانید آیا دیوار عکس العملی نشان می دهد؟ چرا؟ چون دیوار خودش برای خودش حضور ندارد. دیوار، دیوار است ولی برای خودش حضور ندارد، چون از مصالح تشکیل شده است و مصالح از اتم ها و اتم ها هم از هم جدا هستند.

وی تاکید کرد: ما انسانها هم همینطور هستیم. بدنمان از سلول ها تشکیل شده است. سلول ها کنار هم چیده شده اند ولی با هم نیستند. حالا چه چیزی حضور دارد؟ نفس ناطقه. نفس ناطقه از عناصر تشکیل نشده است، نفس ناطقه از اتم ها تشکیل نشده است. بدن از سلول تشکیل شده است. نفس ناطقه از سلول تشکیل نشده است. نفس ناطقه بسیط است و حضور محض است. چون حضور محض است هر چیزی که ببینید از طریق چشم، بشنود از طریق گوش، لمس کند از طریق لامسه، اینها مفهوم می شود. صورت پیدا می کند، استدلال می شود. شما سعی نکنید که حضور را تصور کنید. ما هم می فهمیم اما تصویری از آن نداریم. ما دوست داریم همه چیز را تصور کنیم. ما خودمان برای خودمان حضور داریم و چون حضور داریم آن وقت مفهوم داریم، حصول داریم، علم می آموزیم، علم می گوئیم، همه چیز می گوئیم. اگر آن حضور را نداشتیم هیچ چیز یاد نمی گرفتیم. دیوار چون حضور ندارد هیچ چیز یاد نمی گیرد ولی ما مرتب یاد می گیریم چون حضور نفسانی داریم، علم حضوری که می گویند این است. این روزها بعضی ها می خواهند با کتابهایی علم حضوری را بفهمانند. در واقع علم حضوری را حصولی می کنند.

این استاد دانشگاه در ادامه گفت: انسان همواره می پرسد. یا از غیر می پرسد یا با زبان. اگر از غیرخودش نپرسد از

خودش می پرسد. هر آدمی از غیر، از معلمش، از استاد، از همسایه اش می پرسد. حالا اگر کسی نبود از او پرسیم از خودمان می پرسیم. وقتی انسان از خودش پرسید به خودش پاسخ می دهد پس انسان ولو سخن نگوید حتی در زندان و کنج خلوتی باشد با خود سخن می گوید و سخن گفتن با خود این است که از خود می پرسد و به پرسش خود پاسخ می گوید. این پرسش و پاسخ درونی همان چیزی است که ما نام آن را اندیشیدن می گذاریم. پس اندیشیدن یا تفکر کردن در سکوت یعنی از خود پرسیدن و به خود پاسخ دادن.

عضو انجمن حکمت و فلسفه ایران ادامه داد: این پرسش های انسان در درون و پاسخ هایی که به خود می دهد تا آخرین نفس هایی که زنده است، با او همراه است. لحظه ای برای انسان فرا نمی رسد که در عالم اندیشه و تفکر که با خود می اندیشد و در فکر فرو می رود نپرسد. وقتی که انسان در درون و باطن خود به طور مرتب تا پایان عمر چه با غیر و چه با خود می پرسد و پاسخ می گوید این گفتگوی تمام نشدنی و به پایان نرسیدنی، تعالی است. انسان با اندیشیدن تعالی پیدا می کند یعنی جمود نیست، توقف نیست.

وی گفت: نفس جلوه حضور است. چون حق تعالی حضور مطلق است. نفس ناطقه انسان جلوه حضور و عقل جلوه حضور حق تعالی است. اگر حق تعالی نبود عقل نبود و این اولین جلوه حضور است. عقل نور است، نور عقل از کجا می آید؟ از نور ذاتی حق تبارک و تعالی. خداوند نور محض است. نخستین جلوه حق تعالی جلوه عقل است. عقل نور محض است و همینطور خدا، عقل، نفس، طبیعت. همه اینها مراحل نزولی هستند. حضور مطلق حق تبارک و تعالی جلوه حضور مطلق است و نفس جلوه عقل است و طبیعت جلوه نفس است. حضور در طبیعت هم می آید ولی نازل ترین مرتبه از این چهار مرتبه ای که گفتیم می باشد و عالی ترین حق تعالی می باشد و حضور مطلق است و چون نفس انسان جلوه عقل است و عقل جلوه خداوند است حضور دارد و می اندیشد. اندیشیدن به پرسش و پاسخ است. آنجا که پرسش نیست، پاسخ نیست و آنجایی که پاسخ نیست اندیشه نیست. اصلاً اندیشیدن یعنی پرسیدن و پاسخ گفتن. انسان دائم می اندیشد و پرسش دارد و به خود پاسخ می گوید. این پرسش و پاسخ زیبا که در درون انسان اتفاق می افتد و گاهی به زبان می آید و گاهی مسکوت می ماند عظمت انسان را نشان می دهد.

دینانی در خاتمه اظهار داشت: چرا انسان خطا می کند؟ چون انسان اندیشه اش خطا می کند نه بدنش. بدن خطا نمی کند حتی غریزه حیوانات هم خطا نمی کند. ممکن است در علم امروز بر ما خرده بگیرند و بگویند که در غریزه هدف است. حیوانات با غریزه کار می کنند. می گویند آنها هم هدف دارند. می گویند غریزه هست ولی هدف هم هست. بعضی ها می گویند که هیچ غریزی بی هدف نیست حتی غرایز جنسی و شهوانی انسان نیز هدف دارد و به یک جایی می خواهد برسد. این حرف، حرف درستی است. غریزه هم به مقصد می رسد، غریزه هم مطلوب دارد. تشنه آب می جوید، گرسنه به دنبال غذا می گردد، گربه دنبال موش می رود اما از اول آگاهی ندارد و به طور غریزی می رود. از اول نیت و قصد ندارد. انسان از اول نقشه دارد و طرح نقشه می کند و آگاهانه به سوی هدف می رود. غریزه ناآگاهانه به سوی هدف می رود، غریزه هم مطلوب دارد و به سوی مقصد می رود ولی ناآگاهانه.